سرمقاله

ادامه از صفحه یک ...

اعلام کرد، خروج آمریکا از توافق پاریس به‌مفهوم به‌خطرافتادن جبران خسارت کشورهای درحال‌توسعه و کمک ۱۰۰میلیارد دلاری کشورهای از سوی کشورهای توسعه‌یافته است و به همین دلیل، احتمال دارد ترکیه به توافق پایبند نباشد. این همه درحالی است که آمریکا در زمان دولت «اوباما» -که یکی از پشتیبانان اصلی توافق تغییر اقلیم پاریس بود-، متعهد به کاهش ۲۶درصدی انتشار گازهای گل‌خانه‌ای ظرف ۱۰سال آینده بود.

موضوع مهم دیگر، عملکرد کشورهای دارنده منابع انرژی ازجمله عربستان، کویت و روسیه به همراه آمریکا در چهل‌وهشتمین نشست کمیته بین‌الدولی تغییرهای اقلیم در کره‌جنوبی و اجلاس ۲۴ کنوانسیون تغییرات اقلیم سازمان ملل متحد در «ورشو» لهستان است. این کشورها در نشست کره‌جنوبی مانع تصویب کاهش ۲۵درصدی کاهش سرمایه‌گذاری‌ها درصنعت نفت و گاز شدند. همچنین عربستان و کویت در نشست «ورشو» با تلاش‌های خود اجازه صدور بیانیه را ندادند تا این نشست بدون نتیجه پایان یابد. بنابراین نمی‌توان ادعا کرد که درمورد عمل به «موافقت‌نامه پاریس» اجماع عملی وجود دارد؛ اجماعی هم اگر باشد صرفاً در حد بیانیه‌خوانی است. در ادامه عملکرد برخی از کشورهای داعیه‌دار کاهش انتشار گازهای گل‌خانه‌ای انسان‌ساخت را بررسی می‌کنیم.

عملکرد نامناسب کشورهای توسعه‌یافته در موافقت‌نامه پاریس

شواهد نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته به‌خصوص کشورهای گروه G۲۰ باوجود ماندن در توافق تغییر اقلیم پاریس، به تعهدات خود در این توافق عمل نکرده‌اند. کشورهای توسعه‌یافته، نه‌تنها اقدام به کاهش انتشار گازهای گل‌خانه‌ای نکرده‌اند، بلکه با اختصاص یارانه انرژی در بخش صنعت، تولید گازهای گل‌خانه‌ای را افزایش نیز داده‌اند. روسیه نیز باوجود امضای توافق‌نامه تغییر اقلیم پاریس در اجلاس بیست ویکم کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد بررسی این توافق در مجلس «دوما» را به سال ۲۰۱۹ موکول کرد. در طرف دیگر، لهستان به‌عنوان میزبان کنواسیون بیست وچهارم، ۸۰درصد برق خود را از زغال‌سنگ -که اصلی‌ترین منبع انتشار گازهای گلخانه‌ای است-، تولید می‌کند. از سوی دیگر آلمان که در نشست اخیر G۲۰ از حامیان اصلی بیانیه حمایت از موافقت‌نامه پاریس بود، وابستگی زیادی در تولید انرژی به زغال‌سنگ دارد. به‌طوری که درحال تخریب یکی از بزرگ‌ترین جنگل‌های خود برای ایجاد معدن زغال‌سنگ است. در سوی دیگر، بررسی‌ها نشان از سرمایه‌گذاری ژاپن به عنوان میزبان نشست و تهیه‌کننده بیانیه در حوزه فناوری مربوط به زغال‌سنگ دارد؛ طوری که سالانه بیش از پنج میلیارد دلار برای گسترش این فناوری هزینه می‌کند.

کشورهای درحال توسعه؛ بی‌رغبت نسبت به اجرای موافقت‌نامه پاریس

علاوه بر کشورهای ذکرشده، کشورهای دیگری مانند ونزوئلا، افغانستان و پاکستان، عملی کردن تعهدات خود را به دریافت کمک‌های مالی و فناوری از کشورهای توسعه‌یافته مشروط کرده‌اند. از طرف دیگر کشورهای همسایه و رقبای نفتی ایران مانند عربستان و قطر، تعهداتی غیرقابل ارزیابی و کیفی ارائه کرده‌اند. برای مثال، کشورهایی مانند عراق و عمان -به‌عنوان رقبای نفتی ایران در بازارهای منطقه و جهان-، هنوز به‌صورت‌رسمی به این موافقت‌نامه نپیوسته‌اند. بنابراین، اجماع جهانی به معنای پایبندی کشورها به تعهدات خود و اجرای موافقت‌نامه پاریس وجود ندارد؛ زیرا کشورهای تأثیرگذار صنعتی یا از توافق خارج‌شده‌اند یا تاکنون اقدام جدی در کاهش انتشار گازهای گل‌خانه‌ای انجام نداده‌اند. پایبندنماندن کشورهای توسعه‌یافته به تعهدات خود، هزینه پایبندی کشورهای درحال‌توسعه مانند ایران را که خواهان ماندن در توافق هستند، بسیار بالا خواهد برد؛ زیرا کمک‌های تعیین‌شده در توافق پاریس انجام نخواهد شد. بنابراین هزینه اجرای پروژه‌های کاهش انتشار گازهای گل‌خانه‌ای به‌طور کامل بر عهده خود دولت خواهد بود. موضوع دیگر، عقب ماندن اقتصاد ایران نسبت به سایر رقبا در میزان توسعه است که وابستگی بیشتر ایران به کشورهای توسعه‌یافته را در پی خواهد داشت. ایران می‌تواند برای جلوگیری از این آسیب‌ها، تعهدات خود را به‌صورت مشروط انجام دهد تا در صورت انجام نشدن تعهداتِ طرف‌های مقابل، اجباری در انجام تعهدات زیان‌آور نداشته باشد. موافقت‌نامه تغییر اقلیم پاریس در نشست بیست‌ویکم کنوانسیون تغییرات اقلیم سازمان ملل متحد در پاریس، در راستای جلوگیری از افزایش بیش از ۲درجه‌ای دمای کره زمین، به تائید اولیه کشورهای حاضر در نشست رسید. براساس مبانی علمی این موافقت‌نامه که هنوز به اجماع جهانی نیز نرسیده است و بزرگ‌ترین منتقدان آن آمریکا و روسیه هستند، گازهای گل‌خانه‌ای انسان‌ساخت، عامل اصلی گرمایش زمین است. بر همین اساس موافقت‌نامه پاریس، کشورهای عضو را موظف به کاهش انتشار گازهای گل‌خانه‌ای کرده است. بسیاری از کارشناسان معتقد هستند؛ این اقدام می‌تواند تأثیرات جبران‌ناپذیری بر اقتصاد کشورهای درحال‌توسعه مانند ایران که اقتصادی مبتنی بر صنایع انرژی‌بر دارند، داشته باشد؛ زیرا منابع انرژی مانند نفت وگاز از چاهک‌های اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخت هستند ،به همین دلیل از اهداف بلندمدت موافقت‌نامه پاریس، حذف این منابع انرژی از چرخه انرژی جهان است.

گاف سنگین آمریکا در توقیف نفت‌کش ایران

خبرگزاری «اسپوتنیک» گزارش داد؛ دادگاه منطقه کلمبیا در آمریکا که حکم توقیف نفت‌کش ایرانی «آدریان‌دریا» و محموله نفت آن را صادر کرده، تاریخ توقیف این کشتی در جبل‌الطارق و نام آن را اشتباه درج کرده است. این در حالی است که نام نفت‌کش «گریس۱» ۲۵مردادماه به «آدریان‌دریا» تغییر یافت؛ حکم دادگاه آمریکایی در همین روز نام پیشین آن را به کار گرفته و این موضوع، در حالی است که روز آمریکا دست‌کم هشت ساعت ونیم دیرتر از تهران آغاز می‌شود. دیگر گاف دادگاه آمریکایی این است که در حکم خود تاریخ ثبت شکایت علیه نفت‌کش ایرانی را در این دادگاه ۱۶ نوامبر ۲۰۱۹ ذکر کرده که سه ماه دیگر است.

طالبان بی‌خیال صلح نمی‌شود!

رسانه‌های پاکستانی به نقل از منابع غربی گزارش دادند: یک مقام طالبان با اشاره به تداوم مذاکرات با آمریکا گفت: به اهداف خود بسیار نزدیک شده‌ایم. وی افزود: طالبان کشته شدن رهبران خود را هرگز به معنای بن‌بست در تلاش‌ها در مسیر صلح نمی‌داند و اگر دیگران چنین فکری می‌کنند، دچار اشتباه هستند. در این گزارش به‌نقل از یک مقام دفتر سیاسی طالبان در دوحه آمده است: همه چیز برای یک پایان مفید و سازنده مذاکرات صلح فراهم شده است. وی بدون اشاره‌ای به زمان نهایی پایان مذاکرات با طرف آمریکایی، اظهار داشت: بسیاری از مسائل حل شده و اندکی از آن باقی مانده است.

کره‌شمالی: آمریکا وکره‌جنوبی در تدارک حمله

دو روز پس از آنکه «پیونگ‌یانگ» اعلام کرد، علاقه‌ای به ارتباط با کره‌جنوبی و ادامه گفت‌وگوها با این کشور ندارد؛ کره‌شمالی تاکید کرد هدف این کشور و آمریکا حمله به کره‌شمالی است. خبرگزاری کره‌شمالی در مطلبی به شدت انتقادی، از برگزاری رزمایش آمریکا و کره‌جنوبی که در حال پایان است، انتقاد و خاطرنشان ساخت: نیت این دو کشور این است که با چنین رزمایش‌هایی بتوانند به کره‌شمالی حمله کنند. این گزارش می‌افزاید: این دو کشور در حالا ارتقای توان بسیج نیروها و افزودن بر آمادگی آن‌ها برای انجام عملیات پیش‌دستانه علیه کره‌شمالی هستند و سال‌هاست چنین کاری را انجام می‌دهند.

وقتی داستان زدوبند و رشوه گرفتن در بهارستان داغ می‌شود

عصاره مصائب ملت!

راحیل رحمانی / گروه سیاست
Rahil.Rahmani@gmail.com

«رشوه‌بگیرها» زیر سقف بهارستان! این بار «آیت‌اله یزدی» چنین موضوعی را مطرح کرده است. عضو فقهای شورای نگهبان و رئیس سابق قوه قضائیه، چندی پیش گفت: «برخی نمایندگان فلان وزیر را صدا می‌زنند و از آن‌ها می‌خواهند که فلان معدن را به من یا به فرزند و داماد من بده، تا آن‌ها را استیضاح نکنند یا به‌خاطر سؤال به مجلس نکشانند.»

البته آیت‌اله که خودش عضو فقهای شورای نگهبان است، به این موضوع اشاره‌ای نکرد که این نمایندگان از فیلتر همین شورا برای حضور در بهارستان رد می‌شوند! به هرحال آیت‌اله یزدی، نخستین کسی نیست که چنین بحثی را مطرح می‌کند؛ محمدرضا خباز، نماینده چهار دوره مجلس هم می‌گوید: «برخی نمایندگان کارچاق‌کن شده‌اند» او مثال می‌زند در ماجرای استیضاح وزیر آموزش و پرورش یکی از نمایندگان استیضاح‌کننده، شرط پس گرفتن امضایش را عضویت همسرش -با مدرک لیسانس- در دانشگاه فرهنگیان اعلام کرده بود!

احمد توکلی، وزیر و نماینده سابق مجلس و عضو فعلی مجمع تشخیص هم گفت: «برخی برای باقی‌ماندن در قدرت تابع خواست نمایندگان می‌شوند و بی‌هیچ پرده‌پوشی‌ای تصریح می‌کند این افراد باج را به نمایندگان مجلس فرصت‌طلب، رانت‌خوار و زیاده‌خواه می‌دهند.»

هرچند آیت‌اله یزدی گفته است: «بی‌پروا می‌گویم که میان برخی از نمایندگان با وزرا ساخت وپاخت‌هایی وجود دارد.» این صحبت به مذاق بهارستان‌نشین‌ها خوش نیامد؛ اما نکته جالب این‌جاست که نه فقط یزدی و نه فقط نمایندگان سابق بهارستان که حتی نمایندگان فعلی نیز «ساخت و پاخت» در مجلس را تأیید کرده‌اند! ابوترابی، نماینده نجف‌آباد هم به‌تلویح این موضوع را تأیید کرده است.

عکس: ایکنا

او گفته است: «در استیضاح وزرا لیستی در مجلس داریم که آپارتمان‌هایی برای عدم‌استیضاح آن وزیر به نمایندگان داده شده است؛ یعنی به نمایندگانی آپارتمان داده شده که استیضاح از وزیر را منتفی کردند که این لیست به شورای نگهبان هم داده شده است؛ پس می‌بینیم فساد این‌چنینی هم وجود دارد.»

امیرعباس سلطانی، نماینده سابق مردم بروجن که مستقیماً با پرونده بابک‌زنجانی درگیر بود و آن را در مجلس پیگیری می‌کرد نیز درباره صحت‌وسقم صحبت‌های این نماینده مجلس و عضو شورای نگهبان گفت: «آنچه آقای ابوترابی و آقای یزدی گفته‌اند، صحبت‌های بیراهی نیست و حقیقت دارد. دور قبل هم شاهد بودم که برخی نمایندگان واقعاً آپارتمان گرفته بودند و دربرخی موارد هم شاهد بودم، قرارداد یک پیمانکاری را گرفته بودند. یعنی این مسائلی که مطرح می‌شود موضوعاتی است که واقعیت دارد. متاسفانه یک باب زشت و زننده‌ای باز شده است که نمایندگان چه در دوره‌های قبلی و چه اکنون انجام می‌دهند و این مسائل را می‌توان به کرات مشاهده کرد؛ کما این‌که در پرونده بابک زنجانی، با همین موارد برخورد کردیم و تعدادی از نمایندگان به زنجانی وصل بودند.»

ادعای «رشوه گرفتن» نمایندگان پیش‌تر توسط رئیس فراکسیون شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد و انضباط مالی مجلس هم مطرح شده بود.

محمود صادقی، تیرماه سال گذشته ادعا کرد: در جریان تصویب طرح تحقیق و تفحص از شهرداری تهران، یکی از نمایندگان به ارزش یک میلیارد تومان هولوگرام تغییر کاربری و تعدادی دیگر از نمایندگان مجلس کارت پول پنج میلیون تومانی دریافت کردند.

برخی نمایندگان مجلس همان زمان از ادعای صادقی برآشفته شدند و تاکید کردند که او باید این ادعای خود را ثابت کند؛ از جمله عباسی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس که گفت: اگر نماینده تهران نتواند ادعاهای خود را ثابت کند، باید از نمایندگی استعفا بدهد. مدتی که گذشت، آب از آسیاب افتاد و نه صادقی به دنبال اثبات رفت و نه منتقدان به دنبال انکار! حالا دوباره بحث «باج‌خواهی» و «رشوه‌گرفتن» در مجلس مطرح شده است و باز عده‌ای شاکی شده‌اند.

مصطفی کواکبیان گفته است: ادعای لابی نمایندگان با وزرا درست نیست و آیت‌اله یزدی، اگر موردی سراغ دارند، مصداقی بیان کنند تا کل نمایندگان زیر سؤال نروند.

علی مطهری هم در کانال تلگرامی خود نوشت: «اولاً این سخن، همه نمایندگان مجلس را زیر سؤال می‌برد. بهتر بود ایشان به فرض صحت کلام‌شان و اثبات اتهام وارده نام آن نمایندگان را ذکر می‌کردند تا ذمّه سایر نمایندگان بری می‌شد. ثانیاً در میان نمایندگان به ندرت چنین کسانی پیدا می‌شوند و علت آن هم نوع رفتار شورای نگهبان است که افراد حر، آزاده، پاک‌دست و پاک‌دامن را به دلیل انتقاد از نظام به جرم ضدیت با ولایت فقیه رد صلاحیت و چنان افرادی را تأیید صلاحیت می‌کند. بنابراین به فرض صحت ادعای آقای یزدی، برای رفع این نقیصه، شورای نگهبان باید روش خود را عوض کند.»

به هرحال فارغ از سخنان آیت‌اله یزدی که معمولاً خبرساز می‌شود، به نظر می‌رسد موضوع برخی زد و بندها در مجلس چندان بیراه هم نیست؛ البته که مختص به مجلس کنونی نیز نمی‌شود.

نخستین اخباری که درباره برخی مراودات مالی ناخوشایند با نمایندگان مجلس مطرح شد، به پرونده فساد محمدرضا رحیمی، معاون اول رئیس‌جمهور در دوران احمدی‌نژاد، برمی‌گردد. چندسال پیش پیش کمال‌الدین پیرموذن، نماینده وقت مجلس شورای اسلامی ایران گفت: حدود ۱۷۰ نماینده دوره پیشین این مجلس از محمدرضا رحیمی، پول دریافت کرده‌اند. یا در ماجرای استیضاح «علی‌ربیعی» وزیر سابق کار، رفاه و اموراجتماعی، سهیلا جلودارزاده، نماینده اصلاح‌طلب مجلس به «ایلنا» گفته بود: «برخی نمایندگان مجلس که به‌استیضاح ربیعی رأی دادند، به‌دنبال گرفتن امتیاز بودند. آن‌ها می‌خواستند فرزندان‌شان را به‌عنوان مدیر و هیئت‌مدیره به شرکت‌های شستا تحمیل کنند یا خواسته‌های غیرمعقول دیگری داشتند و چون ربیعی با این خواسته آنان مخالفت می‌کرد، استیضاحش کردند.»

درباره «رشوه‌بگیرها»، «نجومی بگیرها» و ... اگر نیمی از این ادعاها هم درست باشد، باید گفت؛ «عصاره فضائل ملت» بدجور ملت را ناامید کرده‌اند!

حاشیه

وقتی «کاسبان تحریم» قهرمان‌های پوشالی می‌شوند

عراقچی: دستور رئیس‌جمهور بود!

آوا صدر / گروه سیاست
Ava.sadr@gmail.com

بابک زنجانی که دستگیر شد، عده‌ای تلاش کردند از او یک «قهرمان» در دوران تحریم‌های نفتی بسازند و چنین وانمود کنند که زنجانی به ایران لطف کرد و منت هم سرِ ما دارد که توانست تحریم‌ها را دور بزند، ارزآوری کند و ...! کمی که گذشت و زوایای مختلف پرونده برملا شد، مشخص شد «ب.ز» نه تنها لطف و خدمت نکرده بلکه «کاسب تحریم» بوده و میلیون‌ها دلار به جیب زده و پول وزارت‌خانه نفت را هم بالا کشیده است. حالا او یک متهم در آستانه اعدام است که البته مشخص نیست بالاخره پول‌ها را پس می‌دهد یا نه!

این روزها دوباره به یاد همان روزها افتادیم؛ همان روزهایی که زنجانی «قهرمان» بود! این روزها «احمدعراقچی» هم می‌خواهد همان نقش را ایفا کند یا حداقل برخی می‌خواهند این نقش را به او بدهند! خودش که می‌گوید اتهامش «اخلال در نظام ارزی» کشور نیست و از قضا او به مدیریت بازار ارز کمک هم کرده و این کاری است که مقامات عالی کشور از او خواسته بودند!

عراقچی، نه به‌خاطر این که نسبت‌به مدیران قبلی معاونت ارزی سن و سال کمتری داشت و نه فقط به خاطر این که سابقه زیادِ فعالیت در بانک مرکزی نداشت، بلکه بیشتر به دلیل انتساب فامیلی با سیدعباس عراقچی، عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در دولت حسن روحانی، مورد توجه قرار گرفته است. همین انتساب فامیلی هم کافی بود تا بیشتر از این که تحلیل فنی درباره این پرونده بشنویم، بازی‌های سیاسی و سوءاستفاده‌های سیاسی از پرونده عراقچی را شاهد باشیم.

روز گذشته خبرگزاری «فارس» نخستین گفت‌وگویی را که با احمدعراقچی انجام داده بود، منتشر کرد و نوشت: این مصاحبه با هدف شفاف کردن هر چه بیشتر فضا درباره پرونده دخالت بانک مرکزی در بازار ارز و اتهاماتی که درباره این مداخله به مسئولان وقت بانک مرکزی وارد شد، انجام شده است. عراقچی، در این گفت‌وگو پای رئیس‌جمهور را هم وسط کشیده و تاکید می‌کند؛ مداخله در بازار فردایی ارز به درخواست دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، دستور رئیس‌جمهور و تأیید رئیس کل بانک مرکزی انجام شده است و با توجه به این که چنین موضوعی در زمره وظایف حاکمیتی بانک مرکزی محسوب می‌شود، نمی‌توان مطابق آنچه دادستان در کیفرخواست مطرح کرده است، این اقدام را مصداق قاچاق ارز دانست. جالب این که او از «سالار آقاخانی» (متهم فراری همین پرونده) هم به‌عنوان یکی از کارگزاران «کاردرست» و «مطمئن» بانک مرکزی یاد کرده و گفته است: او اقدامات زیادی برای بانک مرکزی انجام داد و عملکرد مثبتی هم داشت!

گزیده‌ای از سخنان عراقچی:

* از اول شهریورماه ۹۶ وقوع بحران ارزی را پیش‌بینی کرده بودیم و آن را قطعی می‌دانستیم.

*مجموعه دولت شاید باور نمی‌کرد یا به هر دلیل دیگری این موضوع را جدی نگرفت و هشدارهای مجموعه بانک مرکزی، بدنه کارشناسی این بانک و بنده مورد توجه قرار نگرفت.

* اواخر شهریور و اوایلِ مهرماه ۹۶، شاید آن هم ناشی از گزارش‌ها و هشدارهایی بود که مرتباً ارائه می‌دادیم حتی در گزارش جمع‌بندی که دبیر شورای عالی امنیت ملی اواخر مهرماه ۹۶ خدمت آقای رئیس‌جمهور ارسال کرده‌اند به صراحت نوشته‌اند؛ بالاخره بازار فردایی، یکی از پارامترهای مخل بازار است؛ به بانک مرکزی اجازه بدهید که در این بازار به‌صورت پوششی مداخله کند. آقای روحانی هم به بانک مرکزی ارجاع دادند، نامه را با نظر مثبت ارجاع دادند. نه تنها با نظر مثبت؛ بلکه دستور خاصی هم برای اجرا روی آن نامه دادند. دستور اجرا در راستای این بود که اقداماتی که در این بازار انجام می‌شود، نقشه دشمن است و در راستای مقابله با دشمن باید این اقدامات انجام شود؛ یعنی صرف یک دستور ساده جهت اقدام هم نبود.

* در نیمه دوم سال ۹۶ کاملاً ارتباط ما قطع شد. امارات و بحرین به نحوی قطع شد. ترکیه ناشی از ماجرای رضا ضراب و هالک بانک مشکلاتی داشت و مشکلات ما خیلی حاد شد.

* از دوران محدودیت‌های سال ۹۲ وارد یک فاز با چشم‌انداز مثبت شدیم که ناشی از مذاکرات و برجام بود. پس از آن با یک خوش‌بینی افراطی آمدیم هر آنچه داشتیم از سیستم‌های نظارتی و کنترلی را کنار گذاشتیم. محدودیت واردات را کنار گذاشتیم و شروع به مصرف بدون محدودیت منابع محدودمان کردیم. البته بخشی هم واقعاً صرف تولید می‌شد. ماشین‌آلات و مواد اولیه هم می‌آمد؛ اما در کل بدون کنترل انجام می‌شد.

* آقای سالار آقاخانی، یکی از کارگزارانی بود که از قبل با بانک مرکزی در ارتباط بود. از سال ۹۴ در بانک‌مرکزی رفت و آمد داشت و اقداماتی هم انجام می‌داد. از کارگزاران شناخته شده بانک مرکزی بود. عملکرد او هم قابل قبول و مثبت بود. او اقدامات دیگری برای بانک مرکزی انجام می‌داد که شاید تشریح آن در حال حاضر به صلاح نباشد؛ اما ایشان اقدامات موثری برای کشور در حوزه‌های مختلفی انجام داده است. آقای آقاخانی برای بانک مرکزی شناخته شده بود و برای بانک مرکزی کار می‌کرد.

محل کشته شدن «حافظ احمداله» برادر ملا هیبت‌اله رهبر گروه طالبان که طی انفجاری در نزدیکی شهر کویته پاکستان کشته شد.

نیروهای پلیس ضدشورش «زیمباوه» تظاهرات مخالفان دولت را سرکوب کردند. زیمباوه، با افزایش فقر و کمبود شدید آب روبه‌روست.

غیرمحرمانه‌ها

رهبری نه، ولی دفتر ایشان دخالت می‌کند

نماینده مردم تهران در مجلس گفت: درحال‌حاضر به شکلی شده است که رئیس این سازمان را رهبری تعیین می‌کند و اتفاقاً رهبری تاکنون چند بار عنوان کردند که من فقط رئیس را تعیین می‌کنم و دخالتی در مدیریت آنجا ندارم. طبعاً با شرایط فعلی، همه چیز بر محور یک فرد می‌چرخد؛ البته از طرف دفتر رهبری نیز دخالت‌هایی می‌شود و قوای سه‌گانه هیچ نقشی در این زمینه ندارند.

مردهای «ملعون» از نظر پناهیان

حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان، در نخستین نشست از سلسله نشست‌های «زنان‌وخانواده در اندیشه رهبر معظم انقلاب» گفته است: انعطاف‌پذیری شوهر نسبت به همسرش، امری ضروری است؛ اما در مقابل، مردی که مطیع زن خود شود و بابت ترس از او فرمان‌برداری کند، ملعون است و خود زن نیز از چنین مردی لذت نمی‌برد. پناهیان گفت: گناه زن در استفاده بد از زبان، چند برابر گناه مردان است و در روایات مهم‌ترین عامل ورود زنان به جهنم زبانشان دانسته شده است، نه حجابشان.

به «ظریف» حسادت می‌کنند

زیباکلام، تحلیل‌گر مسائل سیاسی می‌گوید: اگر جلیلی رئیس تیم مذاکره‌کننده بود، مذاکرات قطعاً به نتیجه نمی‌رسید. این استاد دانشگاه گفت: شاید کسی باور نکند ولی بخشی از آن به این بازمی‌گردد که آقای ظریف به انگلیسی مسلط است، باادب، تحصیل‌کرده و برازنده است. متاسفانه از نظر خیلی از تندروها، انقلابیون و رادیکال‌ها، وزیرخارجه انقلابی، وزیرخارجه‌ای است که دیگران را تحقیر کند، پرچم آمریکا را وسط مجلس شورای اسلامی آتش بزند، مرگ بر آمریکا بگوید و وقتی قرار است با وزیرخارجه آمریکا یعنی «جان کری» هم‌صحبت شود، به او پشت کرده و توهین کند.

«مرعشی» عصبانی است!

حسین مرعشی سخنگوی حزب کارگزاران گفته است: «نواصولگرایی و دعوت از جوانان از سوی محمدباقر قالیباف نوعی فرار به جلوست. او می‌خواهد بگوید هنوز هستم. اگرچه اصولگرایان نقشی به او نمی‌دهند؛ ولی او می‌خواهد نقش انشعابی هم ایفا کند! او با دعوت از جوانان می‌خواست بگوید بدون هیچ مشکلی در سیاست ایران حضور دارم.» حسین قربانزاده، به این اظهارات مرعشی واکنش نشان داد و گفت: این صحبت‌های آقای مرعشی قابل درک است؛ چون وضعیت فعلی جریان اصلاح‌طلب و به‌طور مشخص کارگزاران، در جامعه مطلوب نیست.

ضرغامی مخالف اشغال سفارت بود

کمال تبریزی، کارگردان سینما در گفت‌وگو با «خبرآنلاین» ضمن بیان خاطرات روز اشغال سفارت آمریکا با بیان این‌که بابت وظیفه‌ای که بر دوش ما بود، به همه نقاط سفارت سرک می‌کشیدیم، سفارت آمریکا را دخمه‌ای عجیب توصیف کرده و درباره روابط دانشجویان و گروگان‌ها گفته است: گروگان‌گیری واقعی در کار نبود؛ داخل سفارت دانشجویان و گروگان‌ها با هم تخته‌نرد بازی می‌کردند. او درباره انتقادهای وارد شده به اشغال سفارت نیز می‌گوید: در آن زمان فقط دو نفر یعنی احمدی‌نژاد و ضرغامی، با اشغال سفارت مخالف بودند اما بقیه گروه‌ها اقدام دانشجویان خط امام را تأیید می‌کردند.

چه کسی به جامعه مدرسان مجوز داده است؟

محمدتقی فاضل‌میبدی، در روزنامه اعتماد نوشت: شاهد انتشار مطالبی به نقل از آقای یزدی بودیم. این نخستین‌بار نیست که ایشان به‌عنوان دبیر یا رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مطالبی برخلاف سنت حوزه‌ها ایراد می‌کنند؛ در گذشته هم مطالبی راجع به آیت‌اله شبیری‌زنجانی ذکر کردند که غالب علمای حوزه آن را محکوم کردند. تاآنجاکه نگارنده اطلاع دارد، هیچ حوزه‌ای چنین حقی به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نداده است که مرجعی را نصب یا خلع کنند.